تحلیلی بر تعویق مالیات[1]

علیرضا خان‌جان*

مقاله حاضر گزارشی از یک تحقیق پیمایشی است که عوامل مؤثر بر تعویق مالیات را از دیدکارگزاران امور مالیاتی بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده آن است که مأموران مالیاتی، کاستیهای مربوط به «منابع» سازمان (از جمله کمبود منابع فیزیکی، مالی و انسانی) را به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر تعویق مالیات بر شمرده‌اند. آنها همچنین عوامل مربوط به «پیشینه» مالیات‌ستانی در ایران (از جمله «عوامل نهادی» نظیر اخلاق و «تأثیر رویه‌های گذشته بر حال و آتی») را حائز اهمیت دانسته‌اند، ضمن اینکه بعضی از عوامل محیطی نظیر عوامل قانونی منبعث از قانون مالیاتهای مستقیم، نبود ضمانت اجرایی قانون و عوامل اقتصادی نظیر تورم و نرخهای بالاتر بهره در بازارهای رسمی و غیررسمی را کم و بیش اثرگذار می‌دانند.

واژه‌های کلیدی: تعویق مالیات، منابع سازمان، پیشینه مالیات‌ستانی، عوامل محیطی، الگوی همگرایی.

۱. مقدمه

تأخیر در پرداخت (وصول) مالیات یکی از ویژگیهای منفی نظام مالیاتی است. آثار و پیامدهای منفی وقفه‌های مالیاتی بسیار گسترده و غیرقابل اغماض است، به گونه ای که این مسئله یکی از موضوعات اساسی در مباحث کاربردی و اجرایی مالیاتهاست. از آنجایی که سرعت عمل و کوشش سازمان امور مالیاتی در جمع‌آوری مالیات از شاخصهای مهم کارایی نظام مالیاتی است، وقفه‌های منجر به تعویق در پرداخت مالیات، به عنوان یک عامل منفی در ارزیابی عملکرد کلی نظام مالیاتی تلقی می‌شود، (زمانی و کلانتری، ۱۳۷۸).

در تعریف وقفه‌های مالیاتی و مالیات معوق اظهارنظرهای متعددی به چشم می‌خورد. ویتو تانزی[2]، پژوهشگر سرشناس مسائل مالیاتی، وقفه‌های مالیاتی یا تأخیر در وصول مالیاتها را به عنوان

---

* پژوهشگر دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی- معاونت اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی خراسان رضوی

۱. بخشی از طرح مطالعاتی «راهکارهای تحقق اهداف درآمدی استان خراسان (۱۳۸۳)» که در معاونت اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی خراسان رضوی انجام شده است.

2. Vito Tanzi

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

«فاصله زمانی که طی آن مالیات باید پرداخت شود، با زمانی که مالیات واقعاً پرداخت می‌شود» تعریف می‌کند، (بهاءالدینی ۱۳۷۳). در این تحقیق، مالیاتهای معوق به مالیاتهایی اطلاق می‌شود که از فرآیند تشخیص مالیات، به مرحله فعلیت رسیده‌اند اما به هر دلیل وصول آنها به تأخیر افتاده است.

دلایل و عوامل مؤثر بر تعویق مالیات بسیار متعدد و پیچیده‌اند. زمانی و کلانتری (۱۳۷۸) ضمن طبقه‌بندی وقفه‌های مالیاتی به وقفه‌های قانونی و غیرقانونی، از وقفه‌های قانونی به عنوان «فاصله زمانی بین موعد مقرر قانونی پرداخت مالیات با زمان تحقق درآمد مشمول مالیات یاد می‌کنند و در مقابل، وقفه‌های غیرقانونی را حاصل از دو انگیزه «تلاش مؤدیان مالیاتی برای گریز مالیاتی» و «سوءاستفاده مؤدیان از منافع حاصل از تعویق مالیات در شرایط تورمی» می‌دانند. بدیهی است که شرایط متأثر از هر یک از این دو عامل متفاوت قانونی و غیرقانونی، سیاست‌گذاری‌های خاص خود را طلب می‌کند و از نظر راهبردهای عملیاتی و راهکارهای اصلاحی مقتضیات ویژه‌ای را ایجاب می‌کند. اما آنچه در نخستین گام، حائز اهمیت است بازشناسی علل ایجادکننده هر یک از این وقفه‌هاست.

در این تحقیق، سعی بر آن بوده تا با توسل به یک مطالعه پیمایشی[1] به ارزیابی عوامل مؤثر در تعویق مالیات از نظر کارگزاران مالیاتی بپردازیم. به همین منظور، با تمرکز بر مواردی که در ادبیات تحقیق به عنوان پارامترهای تأثیرگذار در وقفه‌های مالیاتی معرفی و در بعضی آثار پژوهشی معدود منعکس شده‌اند (از جمله در خان‌جان،۱۳۸۳)، نظر مأموران مالیاتی (در سطوح مختلف عملیاتی) در مورد میزان اهمیت و نقش متغیرهای یاد شده سؤال شده که در ادامه بحث به بررسی این دیدگاهها می‌پردازیم.

اهمیت و ضرورت انجام چنین تحقیقاتی، متأثر از این واقعیت است که اساساً هر نوع تلاشی در جهت شناسایی متغیرهای تأثیرگذار در ارتقای تمکین مالیاتی، حائز اهمیت است و همین طور خلاء مطالعاتی موجود در زمینه ریشه‌یابی عواملی که موجب تعویق مالیات می‌شوند، بر لزوم انجام آن صحه می‌گذارد. پدیده تأخیر در پرداخت (یا وصول) مالیات از چند بعد مختلف زیانبار و مخرب است. این مسئله نه تنها بر خروجی دستگاه مالیاتی از نظر پارامترهای کارکردی «عدالت مالیاتی» و در پی آن «رضایت مردم» تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه شدیداً برونداد سیستم را از نظر اهداف کمی (درآمدی) هدفگذاری شده نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و طبیعی است که شاخص رفاه اجتماعی را به عنوان یکی از اهداف بنیادین نظام مالیاتی، کاهش خواهد داد. تأثیر منفی پدیده تعویق مالیات بر پارامتر عدالت مالیاتی حاصل از این واقعیت است که عدم تمکین مالیاتی به موقع گروهی از مؤدیان مالیاتی، الگوهای توزیع بار مالیاتی را در میان سایر افراد جامعه مالیاتی تغییرمی‌دهد. می‌توان پیش‌بینی کرد که وقتی اهداف درآمدی دولت از محل قسمتی از جامعه مالیاتی تأمین نشود،

1. Survey Study

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

سیاستهای تأمین کسری بودجه بر گروههای مالیاتی سهل‌الوصول‌تر معطوف خواهد شد و این امر عدالت، انصاف و مساوات مالیاتی را در هر دو سطح افقی و عمومی به چالش خواهد کشاند.

وضعیت تورمی که متأسفانه نظام اقتصادی کشور سالهاست با آن دست به گریبان بوده است، انگیزه مادی مؤدیان متخلف را برای استفاده (یا در حقیقت سوءاستفاده) از منافع مادی حاصل از کاهش ارزش خالص بدهی مالیاتی در محور زمان تشدید می‌کند و در عین حال، خود نیز از پدیده نامطلوب تعویق مالیات تأثیر می‌پذیرد. کاهش ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی که حاصل از تأخیر در پرداخت مالیات در شرایط تورمی است، موجب اتخاذ سیاستهایی از سوی دولت برای تأمین کسری بودجه می‌شود. به دلیل اینکه استقراض از بانک مرکزی آسان‌ترین روش تأمین کسری بودجه است، این امر با افزایش تقاضای کل، موجب افزایش نرخ تورم در اقتصاد می‌شود، در ضمن اگر میزان استقراض دولت معادل درآمدهای مالیاتی وصول نشده فرض شود، مالیاتهای پرداخت نشده (بدهیهای معوق) در دست مؤدیان مالیاتی با افزایش تقاضا، به تشدید نرخ تورم دامن خواهد زد که این موضوع می‌تواند موجب ایجاد نوعی دور و تسلسل در فرآیند تداوم وقفه‌های مالیاتی شود. در هر صورت از آنجایی که جمع‌آوری سریع‌تر درآمدهای دولت و به ویژه درآمدهای مالیاتی علاوه بر حذف دیگر آثار منفی، با اجتناب از کاهش درآمد واقعی دولت موجب بهبود تراز مالی آن خواهد شد، بنابراین حذف وقفه‌های وصول مالیات به عنوان یکی از راهکارهای کاهش کسری بودجه دولت و بهبود ساختار سیاستهای مالی باید مدنظر سیاستگذاران اقتصادی و مسئولان مالیاتی قرار گیرد، (زمانی و کلانتری ۱۳۷۸).

بدیهی است که اتخاذ هر نوع سیاست اصلاحی در این مورد، ابتدا نیازمند شناسایی عوامل ایجادکننده و برانگیزاننده آن خواهد بود که در تحقیق حاضر به بررسی چنین موضوعاتی پرداخته شده است.

۲. مروری بر پیشینه تحقیق

مراجعه به مطالعات انجام شده در خصوص موضوع تحقیق، نشان‌دهنده آن است که مسئله مالیاتهای معوق طی سالهای اخیر مورد توجه تنی چند از پژوهشگران امور مالیاتی کشور قرار داشته است. این تحقیقات دارای یک ویژگی مشترک بوده‌اند و آن در نظر گرفتن تأثیر وقفه‌های مالیاتی بر کاهش ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی است، این کار با ارائه برآوردهای کمی از سطح مالیاتهای معوق به انجام رسیده است.

بهاءالدینی (۱۳۷۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «زیانهای ناشی از تأخیر وصول مالیات» متوسط زمان تأخیر در پرداخت مالیات مشاغل را در ایران ۳۴/۵ ماه برآورد کرده است. علیزاده وبلنی (۱۳۷۴) نیز در پایان‌نامه دانشگاهی خود با عنوان «برآورد زیان ناشی از تأخیر در

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

وصول مالیات» در قالب یک کار میدانی میزان تأخیر را به‌طور میانگین برای بخش مالیات مشاغل کشور ۲۷/۶ ماه و برای مالیات شرکتها ۳۱ ماه برآورد کرده است. تقی‌پور (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با نام «وقفه‌های جمع‌آوری مالیات، تورم و درآمدهای حقیقی دولت» مسئله تعویق مالیات و تأثیر آن را در شرایط تورمی مورد توجه قرار داده است. زمانی و کلانتری (۱۳۷۸) نیز «اندازه‌گیری وقفه‌های قانونی مالیاتی و آثار منفی آن در ایران» را در نظر داشته‌اند و گلوگاههای قانونی مؤثر بر تعویق مالیات را در نظام مالیاتی کشور مورد توجه قرار داده‌اند. معاونت امور اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی خراسان (۱۳۸۳) نیز در بخشی از طرح مطالعاتی «راهکارهای افزایش درآمدهای مالیاتی استان خراسان در سال ۱۳۸۲» با توسل به یک روش میدانی مستقیم و در قالب یک مطالعه موردی، برآوردی عینی از میزان مالیاتهای معوق شهرستان مشهد به دست داده و امکان جبران کاهش احتمالی درآمدهای استانی را از محل وصول مالیاتهای معوق مورد تأیید قرار داده است. گزارشی از نتایج تحقیق یادشده در مقاله خان‌جان (۱۳۸۳) با عنوان «سنجش شکاف مالیاتی بالفعل: مطالعه موردی شهرستان مشهد» به چاپ رسیده است. این دو پژوهش در مقام ریشه‌یابی تعویق مالیات، صرفاً در قالب مطالعه کتابخانه‌ای برخی از پارامترهای مؤثر در ایجاد وقفه‌های مالیاتی را بازشناسی کرده‌اند.

در میان آثار تحقیقی منتشر شده در خارج از کشور می‌توان از تانزی (۱۹۷۸)، چودری[1] (۱۹۹۱)، شافر[2] (۱۹۹۶،۱۹۹۴)، پونوماروا و ژوراوسکایا[3] (۲۰۰۰) و تریزمن[4] (۲۰۰۰) یادکرد. تانزی (۱۹۷۸) و چودری (۱۹۹۱) به بررسی اثر همزمان سیاست مالیه تورمی و وقفه‌های مالیاتی بر درآمدهای دولت پرداخته‌اند. مطالعه چودری نشان می‌دهد که تورم حاصل از اتخاذ سیاست مالیه تورمی دولت، از طریق کاهش ارزش درآمد واقعی حاصل از تأخیر در جمع‌آوری درآمدها، موجب خنثی شدن اثر درآمدی مالیه تورمی در بسیاری از کشورهای مورد مطالعه شده است، به گونه‌ای که عملاً به‌کارگیری این سیاست را تا حد زیادی محدود کرده است. شافر (۱۹۹۴) ضمن مطالعه در مورد کشورهای اروپای شرقی و مرکزی به این نتیجه رسیده است که تعویق مالیات از سوی شرکتها و اشخاص حقوقی گاه نتیجه چشم‌پوشی عامدانه مقامات سیاسی است و می‌توان آن را نوعی یارانه ضمنی دولتی به حساب آورد که به شرکتها و بنگاههای اقتصادی اعطا می‌شود. وی سپس در کتابی با عنوان *ازدیاد مالیاتهای معوق : شواهدی تجربی از کشور روسیه* (۱۹۹۶)، که به طور مشخص به مسئله رواج روزافزون فرهنگ تأخیر در پرداخت مالیات در جامعه روسیه پرداخته، نتایج مشابهی را مورد تأکید قرار داده است. پونوماروا و ژوراوسکایا (۲۰۰۰) نیز در مقام ریشه‌یابی و

1. Choudhry
2. Schaffer
3. Ponomareva and Zhuravskaya
4. Treisman

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

تعلیل پدیده تعویق مالیات در کشورهای بلوک شرق سابق، سه فرض اولیه کمبود نقدینگی، یارانه‌های (ضمنی) دولت مرکزی و مقاومت سیاسی مقامات محلی نسبت به وصول مالیات برای دولت مرکزی را مطرح می‌کنند. این دو در نهایت، با انجام کار میدانی و توسل به تحلیل رگرسیون، دو فرض آخر را به عنوان عوامل مؤثر بر تعویق مالیات مورد تأیید قرار داده‌اند. همچنین تریزمن (۲۰۰۰) بحث مالیاتهای معوق را در نواحی وابسته به دولت فدرال روسیه به ساختارهای سیاسی موجود نسبت می‌دهد و از دیدگاهی سیاسی مبحث آسیب‌شناسی مالیاتی را در مورد مالیاتهای معوق مطرح می‌کند.

۳. چارچوب نظری: الگوی همگرایی در مدیریت مالیات[۱]

انگیزه نظری طرح مسئله مالیاتهای معوق در قالب یک تحقیق پیمایشی، عمل به الگوی همگرایی[۲] (نادلر و توشمن[۳]، ۱۹۸۹) بوده است که گیل[۴] آن را در سال ۲۰۰۰ به مدیریت سازمان مالیاتی اعمال کرده است. در این الگو، تشخیص و موشکافی معایب و کاستیهای سازمان مالیاتی پیش‌نیاز نیل به راهکار اصلاحی به‌شمار می‌آید. گیل معتقد است که تجزیه و تحلیل هر یک از عناصر نظام مالیاتی به مجموعه‌ای غنی از سیاستهای اصلاحی ممکن منتهی می‌شود[۵].

نخستین گام به سوی تهیه و تنظیم راهبرد اصلاحی جامع برای سازمان امور مالیاتی، در واقع تلفیق و در هم آمیختن سیاستهای اصلاحی حاصل از چارچوبهای تحلیلی مربوط به تشخیص معایب و کاستیهای دستگاه است. این مرحله در رویکرد همگرایی گیل یکپارچگی یا یکپارچه‌سازی نامیده می‌شود. به دلیل وجود همبستگی در میان عناصر گوناگون نظام مالیاتی، ممکن است بسیاری از سیاستهای اصلاحی مورد نیاز در مورد یک عنصر (که خود حاصل از فرآیند تشخیص کاستیها و معایب سازمانی است) به یک یا چند عنصر دیگر نیز قابل تعمیم باشد. بنابراین باید برای پرهیز از دوباره‌کاری خط‌مشی اصلاحی را بررسی کرد و مجموعه‌ای یکپارچه از سیاستهای اصلاحی به دست داد. بدیهی است که بعضی از راهبردهای اصلاحی در حیطه اختیارات سازمان قرار می‌گیرند (مثل موارد مربوط به مدیریت اجرای مالیات، ترتیبات سازمانی، فرآیندهای اجرایی و نظایر آن) و برخی در خارج از حیطه اختیارات آن هستند (مثل ضرورت تغییر قوانین یا سیستم‌های قضایی).

۱- مطالب این زیربخش که به معرفی چارچوب نظری برگزیده تحقیق مربوط است عمدتاً از مأخذ ذیل تلخیص گردیده است: گیل، جیت بی. اس. (۲۰۰۰)، *مدیریت سازمان مالیاتی (نگرش سیستمی)*، ترجمهٔ دکتر علی اکبر عرب‌مازار و مرتضی ملانظر، تهران، دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۱.

2. Congruence
3. Nadler and Tushman
4. Jit B. S. Gill

۵. گیل، ۲۰۰۰، ص ۱۴۱.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

چنانچه امکان اتخاذ راهبرد عملیاتی اصلاحی در درون دستگاه وجود داشته باشد، در آن صورت عامل سرعت عمل می‌تواند عاملی تعیین‌کننده به شمار آید، در غیر این‌صورت وظیفه سازمان امور مالیاتی فقط انعکاس اصلاحات مورد نیاز به رده‌های تصمیم‌گیرنده بالاتر، توجیه ضرورت تغییر و در نهایت پیگیری مسئله است.

گام دوم، ارزشیابی است. منظور از ارزشیابی، ارزیابی منتقدانه سیاستهاست.[۱] نخست، در صورت وجود چندین گزینه برای رفع یک مشکل، باید گزینه‌های بدیل را با یکدیگر مقایسه کرد و گزینه‌ای را انتخاب کرد که کاراتر بوده، اجرای آن ساده‌تر باشد یا هزینه کمتری را طلب کند. دوم اینکه احتمال دارد برخی از سیاستها با یکدیگر منافات و ناسازگاری داشته باشند. بنابراین باید ضمن بررسی و مقایسه گزینه‌های ممکن، سیاستی را اتخاذ کرد که تنشهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی کمتری را دامن بزند و از سوی کارگزاران مالیاتی در سطوح مختلف قابل تمکین باشد. سوم آنکه سیاستهای اصلاحی را باید برای حصول اطمینان از احتمال اجرا کردن آنها امکان‌سنجی کرد و در بوته آزمایش قرار داد[۲]. پرسش مهمی که مطرح می‌شود آن است که آیا این سیاستها از نظر سیاسی، مالی، اداری و کاربردی، امکان‌پذیرند یا خیر؟

گام بعدی، اولویت‌بندی است. هنگامی که مجموعه‌ای از سیاستهای اصلاحی شکل گرفت، کار اولویت‌بندی آنها اهمیت می‌یابد[۳]. هدف از این کار، بهره‌گیری از منابع موجود با حداکثر بازدهی است. اولویت دادن به سیاستهای اصلاحی مختلف، به شرایط ویژه دستگاه مالیاتی، ماهیت مشکلات پیش‌روی آن در دوره‌ای خاص و اضطرار نسبی آن مشکلات و همچنین به سرفصلهای کاری مدیریت طراز اول دستگاه وابسته است.

گام نهایی در فرآیند اصلاح موردنظر در الگوی همگرایی، تعیین توالی اصلاحات است[۴]. بدون تردید، فعالیتهای با اولویت بالا یا فعالیتهای طراحی شده برای رفع مشکلات حاد و جاری را باید در نخستین مراحل اقدامات اصلاحی گنجانید. همچنین برای اجرای اصلاحات میان‌مدت و بلندمدت، به منظور توالی صحیح‌تر اولویتهای اصلاحی، باید وابستگی منطقی فعالیتها را نیز مدنظر قرار داد. به‌طور کلی، فرآیند اصلاح مالیاتی را در الگوی همگرایی می‌توان به‌صورت نمودار (۱) نشان داد:[۵]

---

۱. همان، ص ۱۴۲.

۲. همان، ص ۱۴۳.

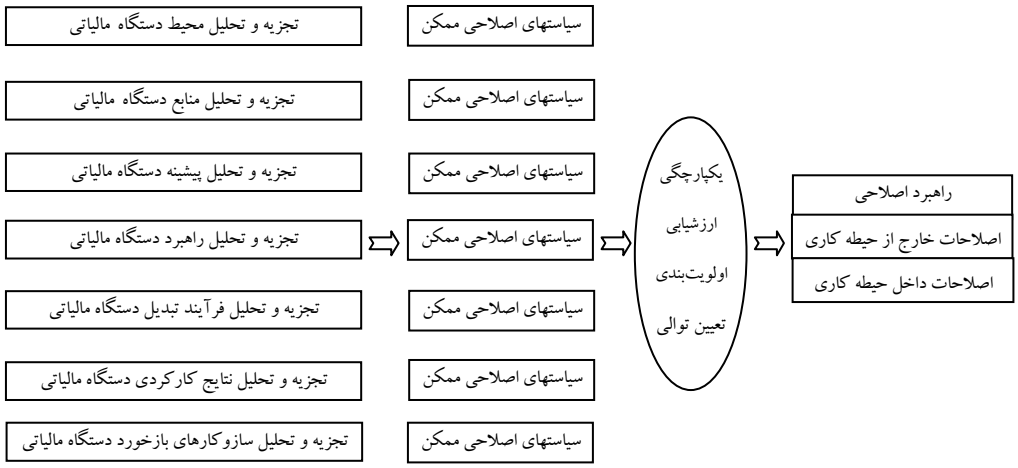
۳. گیل، ۲۰۰۰:ص ۱۴۳.

۴. همان، ص ۱۴۴.

۵. همان، ص ۱۴۵.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

نمودار ۱. فرآیند اصلاح مالیاتی در الگوی همگرایی



مأخذ: جمعیت بی. اس. گیل، *مدیریت سازمان مالیاتی (نگرش سیستمی)*، ترجمه دکتر علی اکبر عرب مازار و مرتضی ملانظر، تهران، دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۱.

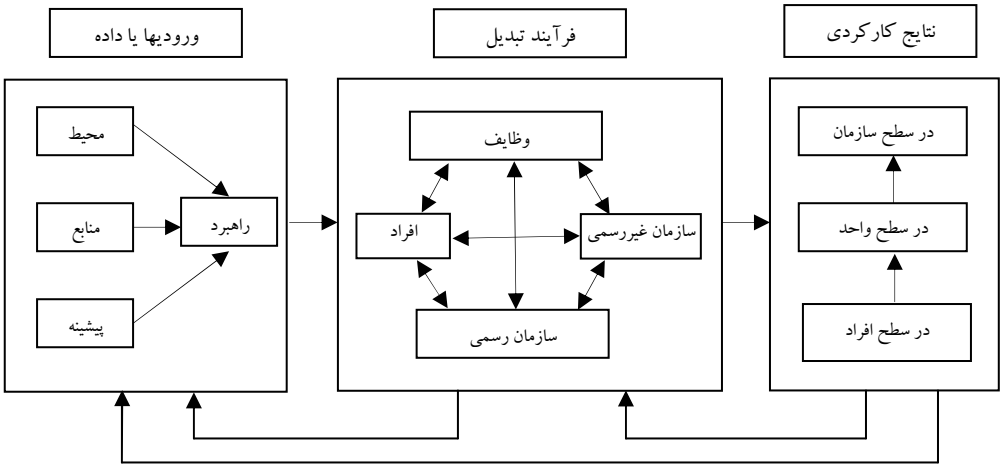
در الگوی سیستمی گیل (۲۰۰۰)، نخستین مرحله از مراحل چندگانه اصلاح مالیاتی، مرحله بررسی مقدماتی است. این مرحله، شاخصهای کمی ماهیت و گستره عملیات، کارایی و بازدهی را دربر می‌گیرد. میزان مالیاتهای معوق یکی از شاخصهای مربوط به ماهیت و گستره کار به حساب می‌آید و دو شاخص کمی دیگر مرتبط با مالیاتهای معوق یعنی نسبت میزان بازپرداخت مالیاتهای معوق به کل میزان مالیاتهای معوق در آغاز سال و شکاف مالیاتی در گروه شاخصهای کارایی قرار می‌گیرند.

محاسبه شاخصهای یاد شده(بررسی مقدماتی)، پیش‌نیاز ریشه‌یابی و تشخیص معایب در سازمان مالیاتی است که در الگوی همگرایی موردنظر نادلر و توشمن «داده‌ها یا ورودی» دستگاه به حساب می‌آیند. این داده‌ها از صافی فرآیند «تبدیل» عبور می‌کنند و به «نتایج کارکردی» در سطوح مختلف منتهی می‌شوند. چنانکه در نمودار (۲) با عنوان الگوی همگرایی ملاحظه می‌کنید، این الگو سازمان را سیستمی باز می‌پندارد که از مجموعه‌ای از بخشهای مرتبط به هم تشکیل شده است. سازمان، ورودیها یا داده‌ها را دریافت می‌کند، آنها را از فرآیند تبدیل می‌گذراند و به نتایج کارکردی یا خروجیها دست می‌یابد. سه ورودی یا داده به طور مستقیم به نوعی سیستم سازمانی می‌رسند که عبارتند از محیط، منابع و پیشینه. داده یا ورودی چهارم یا همان راهبرد و راهکار، از همین داده‌ها به دست می‌آید. داده‌ها در درون فرآیند تبدیل، توزیع می‌شوند که این خود تعامل چهار عنصر وظایف، تمهیدات رسمی سازمانی، سازمان یا فرهنگ غیررسمی و افراد است. خروجی فرآیند تبدیل در قالب نتایج کارکردی در سطوح فردی، واحدی و سازمانی ظهور می‌کند. ضمن اینکه

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

همواره بازخوردی مداوم از نتایج کارکردی به فرآیند تبدیل، از فرآیند تبدیل به داده‌ها و از نتایج کارکردی به داده‌ها صورت می‌گیرد.

نمودار۲. الگوی همگرایی



مأخذ: گیل، ۲۰۰۰.

این نوشتار در مقام ریشه‌یابی عوامل مؤثر بر تأخیر در پرداخت مالیات، تعلیل و تحلیل عوامل مربوط به محیط، منابع و پیشینه دستگاه مالیاتی را در قالب یک کار پیمایشی مدنظر قرار می‌دهد، بدان امید که نتایج به دست آمده، راهبرد مورد نیاز جهت انجام فرآیند تبدیل را به دست دهد و در نهایت به نتایج کارکردی قابل قبولی که همانا راهکار اصلاحی مقتضی جهت رفع مشکل تعویق مالیات خواهد بود، بیانجامد.

۴. پیمایش دیدگاه کارگزاران مالیاتی درباره عوامل تعویق مالیات

همان‌طور که گفته شد این پژوهش، در قالب یک مطالعه پیمایشی صورت می‌گیرد. ابزار پژوهش پرسشنامه‌ای است که دیدگاه کارگزاران مالیاتی (مأموران مالیاتی در سطوح مختلف سازمانی) را درباره عوامل مؤثر بر تعویق مالیات مورد سنجش قرار می‌دهد. موارد مورد سؤال به‌صورت جملات یا گزاره‌های خبری طرح شده‌اند و از پرسش‌شوندگان تقاضا شده است که نظر خود را در مورد هر یک از گزاره‌های یادشده با علامت ضربدر مشخص کنند. پاسخهای ممکن برای هر گزاره دامنه‌ای متغیر از «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» را دربر می‌گیرد که در پنج گزینه متقارن توزیع شده‌اند. ساختار گزاره‌های مورد سؤال و متغیرهای موردنظر در هر یک از آنها با مراجعه اسنادی به قانون مالیاتهای مستقیم و بخشنامه‌ها و دستورالعملهای اجرایی مربوط به آن و مطالعه کتابخانه‌ای ادبیات

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

موضوع (مقالات، کتب و منابع پژوهشی) تهیه شده و بر اساس الگوی سیستمی گیل (۲۰۰۰) در چهار گروه متمایز طبقه‌بندی شده است.

گروه اول، گزاره‌های است که دیدگاه کارگزاران مالیاتی را در مورد عوامل محیطی مؤثر بر تعویق مالیات (چارچوب قانونی، محیط اقتصادی، نظام قضایی و نظایر آن) جویا شده‌اند[۱]. گروه دوم، گزاره‌هایی است که تأثیر عوامل مربوط به پیشینه سازمان مالیاتی را بر تعویق مالیات مورد سنجش قرار می‌دهند[۲]. گروه سوم، گزاره‌هایی را دربر می‌گیرد که تأثیر عوامل مربوط به منابع سازمان مالیاتی را بر تعویق مالیات ارزیابی می‌کنند[۳]. چنانکه در جدول شماره (۱) مشاهده می‌کنید، بعضی از گزاره‌ها (به طور مشخص گزاره‌های شماره ۶، ۹ و۲۹) تأثیر عوامل مربوط به بیش از یک پارامتر را مورد سنجش قرار می‌دهند. اما گروه آخر (گروه چهارم) مشتمل بر گزاره‌هایی است که برخی از راهکارهای موجود در مورد برخورد با پدیده «تأخیر در پرداخت مالیات» را ارزیابی می‌کنند. این گروه، در حقیقت به‌دنبال گرفتن بازخورد از نگرش کارگزاران مالیاتی درباره روشهایی است که گاه به‌صورت موردی به منظور کاهش سطح مالیاتهای معوق در دستگاه مالیاتی انجام شده یا پیشنهاد شده‌اند.

جدول شماره (۱). ساختار متغیرها در ابزار پژوهش

گزاره	مقوله اصلی	زیرشاخه
۱	محیط	محیط اقتصادی – چارچوب قانونی – سیاستهای مالی
۲	محیط	محیط اقتصادی (بانکها)
۳	پیشینه	سیر تکاملی هنجارها و ارزشها
۴	پیشینه	تأثیر رویدادها و تصمیمات گذشته بر عملیات فعلی
۵	پیشینه	تأثیر رویدادها و تصمیمات گذشته بر عملیات فعلی
۶	محیط	چارچوب قانونی
	پیشینه	تأثیر رویدادها و تصمیمات گذشته بر عملیات فعلی و آتی
۷	پیشینه	تأثیر رویدادها و تصمیمات گذشته بر عملیات فعلی و آتی
۸	محیط	چارچوب قانونی
۹	محیط	چارچوب قانونی
	پیشینه	تجربه‌های موجود از فرآیندهای اجرایی
۱۰	محیط	چارچوب قانونی
۱۱	محیط	چارچوب قانونی
۱۲	منابع	منابع انسانی
۱۳	منابع	منابع فیزیکی

۱. گزاره‌های شمارهٔ ۱، ۲، ٦، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ١٤، ۱۵و ۲۹

۲. گزاره های شماره ۳، ٤، ٥، ٦، ۷، ۹، ١٦، ۱۷ و ۱۸

۳. گزاره های شماره ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۷ و ۲۹

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

ادامه جدول شماره (۱)

گزاره	مقوله اصلی	زیرشاخه
۱۴	محیط	چارچوب قانونی
۱۵	محیط	نظام قضایی
۱۶	پیشینه	سیرتکاملی هنجارها و ارزشها
۱۷	پیشینه	سیرتکاملی هنجارها و ارزشها
۱۸	پیشینه	سیرتکاملی هنجارها و ارزشها
۱۹	منابع	منابع مالی
۲۰	منابع	منابع اطلاعاتی
۲۱	منابع	تخصیص منابع انسانی و تقسیم کار
۲۲	راهکار	فرآیندهای اجرایی
۲۳	راهکار	فرآیندهای اجرایی
۲۴	راهکار	فرآیندهای اجرایی
۲۵	راهکار	فرآیندهای اجرایی
۲۶	راهکار	فرآیندهای اجرایی
۲۷	منابع	تخصیص منابع انسانی و تقسیم کار
۲۸	راهکار	تخصیص منابع و تقسیم کار
۲۹	محیط	مؤدیان مالیاتی
	منابع	منابع اطلاع‌رسانی

مأخذ: پژوهش محقق

در مرحله اجرای عملیات پیمایش، تعداد ۶۰ پرسشنامه در میان مأموران تشخیص مالیات در سطوح مختلف سازمانی (کارشناس مالیاتی، کارشناس ارشد مالیاتی، رئیس گروه مالیاتی و رئیس اداره امور مالیاتی) به‌صورت تصادفی توزیع شد که از مجموع ۶۰ پرسشنامه توزیع شده، تعداد ۴۱ مورد معادل ۶۸/۳۳ درصد پاسخ داده شد. تجزیه و تحلیل آماری انجام شده در این تحقیق، بر اساس پاسخهای این ۴۱ پرسشنامه خواهد بود.

۵. تحلیل نتایج

از مجموع ۲۹ گزاره پرسشنامه، ۲۳ مورد به تعلیل و ریشه‌یابی عوامل مؤثر بر پرداخت (وصول) مالیات اختصاص داشته است. بخش دوم پرسشنامه در برگیرنده شش گزاره است که راهکارهای موردی را که گاه در مقام حل معضل تعویق مالیات اتخاذ شده‌اند یا به نوعی مطرح بوده‌اند مورد سنجش قرار می‌دهد. در این قسمت، ابتدا به تحلیل نتایج حاصل از بخش تعلیلی پیمایش نظرات مأموران مالیاتی خواهیم پرداخت و سپس به داده‌های حاصل از آن شش گزاره که به راهکارهای حل مشکل تعویق مالیات ارتباط می‌یابند، می‌پردازیم.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

۱-۵. یافته‌های حاصل از گزاره‌های تعلیلی

۲۳ گزاره تعلیلی مورد سؤال در سه مقوله اصلی محیط، پیشینه و منابع و چندین زیرشاخه فرعی طبقه‌بندی شده‌اند. میانگین کل نمرات حاصل از گزاره‌های تعلیلی که به سنجش عوامل مؤثر بر تعویق مالیات اختصاص داشته‌اند، ۱/۱۴ بوده است. این نشان‌دهنده آن است که به‌طور کلی مأموران شاغل در دستگاه مالیاتی نظرات مطرح شده در گزاره‌های پرسشنامه را کم و بیش تأیید کرده‌اند. یادآوری می‌شود که نمره‌های صفر تا ۲- بیان‌کننده موافقت با گزاره مطرح شده و صفر تا ۲- مبین مخالفت با آن است. بدیهی است هر چه نمره حاصل شده به عدد ۲+ نزدیکتر باشد میزان موافقت با موضوع بیشتر است و هر چه نمره به‌دست آمده بیشتر به سمت ۲- میل کند نشان‌دهنده درجه مخالفت بیشتری خواهد بود.

در هر ۲۳ مورد گزاره‌های تعلیلی نمره‌های اکتسابی بالاتر از صفر و در دامنه موافقت بوده‌اند. در این میان شش گزاره نمره‌هایی بین ۲-۱/۵، نُه گزاره ۱/۵-۱، چهار گزاره ۱-۰/۵ و چهار گزاره دیگر ۰/۵-۰ را کسب کرده‌اند. در اینجا لازم به یادآوری است که گزاره‌هایی که بیش از یک زیرشاخه را پوشش داده‌اند در تحلیلهای متفاوت بررسی شده‌اند و نمره‌های آنها در زیرشاخه‌های مرتبط به صورت جداگانه محاسبه شده است.

در عین حال، تفکیک گزاره‌های تعلیلی به سه مقوله محیط، منابع و پیشینه، اطلاعات بیشتری به‌دست خواهد داد. با مقایسه میانگین‌های به دست آمده در هر مقوله ملاحظه می‌شود که بیشترین حد موافقت مأموران مالیاتی با گزاره‌های تعلیلی در بخش منابع بوده است که میانگین کل ۱/۵۵ را به دست آورده و در بالاترین دامنه موافقت قرار گرفته است (۲-۱/۵). به عبارت دیگر، مأموران مالیاتی کاستیهای مربوط به منابع سازمان امور مالیاتی را (منابع انسانی، فیزیکی، مالی و نظایر آن) مهم‌ترین عامل تأخیر در پرداخت (و وصول) مالیات می‌دانند. از هفت گزاره مربوط به منابع، سه گزاره در زیر شاخه منابع انسانی، دو گزاره در زیرشاخه منابع اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی، یک گزاره در زیرشاخه منابع مالی و یک گزاره در زیرشاخه منابع فیزیکی قرار می‌گیرند.

اگر نمره‌های هر زیرشاخه را جداگانه محاسبه کنیم، ملاحظه می‌شود که پاسخ‌دهندگان به ترتیب منابع فیزیکی، مالی، انسانی و اطلاعاتی را به عنوان عوامل تأثیرگذار در تعویق مالیات به ترتیب اولویتهای جدول شماره (۲) برشمرده‌اند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

جدول شماره ۲. میانگین نمرات حاصل از گزاره‌های مربوط به منابع

ردیف گزاره	موضوع	زیرمقوله	نمره
۱۲	کمبود نیروی انسانی	منابع انسانی	۱/۹
۱۳	کمبود امکانات فیزیکی	منابع فیزیکی	۱/۸
۱۹	انگیزش مأموران مالیاتی	منابع مالی	۱/۶۸
۲۰	اطلاعات مالیاتی	منابع اطلاعاتی	۱/۶۶
۲۱	آئین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۹ قانون مالیات مستقیم	منابع انسانی	۱/۵۶
۲۷	وظایف مأموران مالیاتی	منابع انسانی	۱/۳۲
۲۹	ناآگاهی مؤدیان مالیاتی	منابع اطلاع‌رسانی	۰/۹۳
	میانگین کل نمرات		۱/۵۵

مأخذ: پژوهش محقق

با توجه به جدولهای شماره (۳) و (۴)، عوامل مربوط به پیشینه و محیط به ترتیب با میانگین نمره ۱/۰۷۹ و ۰/۸۵۱ در اولویتهای بعدی قرار داشته‌اند. بررسی نمره‌های به دست آمده از گزاره‌های مربوط به پیشینه نشان‌دهنده آن است که عوامل تأثیرگذار این گروه نمره‌هایی بین ۰/۴۱ تا ۱/۴۶ کسب کرده‌اند.

جدول شماره ۳. میانگین نمرات حاصل از گزاره‌های مربوط به پیشینه

ردیف گزاره	موضوع	زیر مقوله	نمره
۹	فرآیند حل اختلاف مالیاتی	تأثیر رویه‌های گذشته بر حال و آتی	۱/۴۶
۱۶	نهاد اخلاق	سیرتکاملی هنجارها و ارزشها	۱/۳۲
۳	هنجار اجتماعی تمکین	سیرتکاملی هنجارها و ارزشها	۱/۲۲
۵	سیاست عفو کامل جریمه‌های مالیاتی	تأثیر رویه‌های گذشته بر حال و آتی	۱/۲
۱۷	فضای سیاسی	سیر تکاملی هنجارها و ارزشها	۱/۲
۴	سیاست عفو کامل جریمه‌های مالیاتی	تأثیر رویه‌های گذشته بر حال و آتی	۱/۱۵
۷	اجرای سلیقه‌ای نظام جرایم مالیاتی	تأثیر رویه‌های گذشته بر حال و آتی	۱/۰۲
۱۸	نهاد مذهب	سیرتکاملی هنجارها و ارزشها	۰/۳
۶	مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ قانون مالیات مستقیم	تأثیر رویه‌های گذشته بر حال و آتی	۰/۴۱
	میانگین کل نمرات		۱/۰۷۹

مأخذ: پژوهش محقق

اما بررسی نمره‌های حاصل از گزاره‌های مربوط به محیط، بیان‌کننده آن است که عوامل تأثیرگذار محیطی نمراتی بین ۰/۳۷ تا ۱/۵۱ را به دست آورده‌اند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

جدول شماره۴. میانگین نمرات حاصل از گزاره‌های مربوط به محیط

ردیف گزاره	موضوع	زیر مقوله	نمره
۸	تشویقات مالیاتی مؤدیان	قانون مالیات	۱/۵۱
۹	فرآیند حل اختلاف مالیاتی	قانون مالیات	۱/۴۶
۱۵	نظام حقوقی ناکارآمد	نظام حقوقی	۱/۱۷
۲۹	ناآگاهی مؤدیان مالیاتی	قانون مالیات	۰/۹۳
۱۰	تبصره ماده ۲۳۹ قانون مالیات مستقیم	قانون مالیات	۰/۸۸
۱	نرخهای تورم	محیط اقتصادی	۰/۸۳
۲	نرخهای بهره	محیط اقتصادی	۰/۴۹
۱۱	نبود ضرب‌الاجل زمانی ابلاغ اوراق مالیاتی	قانون مالیات	۰/۴۶
۶	مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ قانون مالیات مستقیم	قانون مالیات	۰/۴۱
۱۴	ماده ۱۵۷ قانون مالیات مستقیم	قانون مالیات	۰/۳۷
	میانگین کل نمرات		۰/۸۵۱

مأخذ: پژوهش محقق

تلفیق گزاره‌های همگون در این گروهها نشان‌دهنده اولویتهای مندرج در جدول شماره (۵) بوده است.

جدول شماره ۵. اولویت‌بندی عوامل تعویق مالیات

اولویت	عنوان مقوله	میانگین نمرات
اول	منابع	۱/۵۵
دوم	پیشینه	۱/۰۸
سوم	محیط	۰/۸۵

مأخذ: پژوهش محقق

۲-۵.یافته‌های حاصل از گزاره‌های مربوط به راهکارها

شش گزاره از مجموع ۲۹ گزاره پرسشنامه به ارزیابی نظرات پاسخ‌دهنده‌ها در مورد راهکارهای (عملیاتی) حل مسئله تعویق مالیات مربوط می‌شود. این راهکارها، بیان‌کننده تلاشهایی است که گاه به‌صورت موردی در اداره‌های امور مالیاتی به انجام رسیده یا حسب مورد توصیه شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مأموران شاغل در دستگاه مالیاتی افزایش منابع اداره وصول و اجرا را به عنوان مؤثرترین راهکار برای حل مشکل مالیاتهای معوق انتخاب کرده‌اند (میانگین نمره ۱/۴۹) و به ترتیب پیگیری حضوری و تلفنی مأموران مالیات، صدور اخطاریه پیش از اجرا، تهیه فرم خلاصه وضعیت از پرونده‌های مالیاتی، اقدامات ضربتی و کوتاه‌مدت و واگذاری عملیات ابلاغ به اداره پست را در اولویتهای بعدی قرار داده‌اند. نکته قابل تأمل آنکه میزان موافقت همکاران ما با اقدامات ضربتی و کوتاه‌مدت و واگذاری عملیات ابلاغ به اداره پست[1] در پایین‌ترین دامنه موافقت (دامنه ۰/۵-۰) قرار داشته است.

۱. گزاره‌های شمارهٔ ۲۲ و ۲۸

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

در عین حال، چنانکه ملاحظه می‌کنید تمامی راهکارهای یادشده به دستگاه مالیاتی یعنی نیروی عملیاتی درگیر در وصول مالیات مربوط می‌شوند (به خاطر داشته باشیم که پاسخ‌دهنده‌ها کارگزاران عملیاتی درگیر در فرآیند مالیات‌ستانی بوده‌اند). بدیهی است که اقدامات بلندمدتی مثل نهادسازی، فرهنگ‌سازی، و نظایر آن نیازمند راهکارهای خاصی است که تبیین آنها و سنجش دیدگاههای صاحبنظران در مورد آنها به مطالعه مستقل و مفصل نیاز خواهد داشت.

جدول شماره٦. میانگین نمرات حاصل از گزاره‌های مربوط به راهکارها

شماره گزاره	موضوع	مقوله	نمره
۲۳	افزایش منابع اداره وصول و اجرا	راهکار	۱/٤۹
۲٦	پیگیری حضوری و تلفنی	راهکار	۱/۳۹
۲۵	اخطاریه پیش از اجراء	راهکار	۱/۱
۲٤	تهیه فرم خلاصه وضعیت	راهکار	۱
۲۲	اقدامات ضربتی و کوتاه مدت	راهکار	۰/۳۹
۲۸	واگذاری عملیات ابلاغ به اداره پست	راهکار	۰/۱۲
	میانگین کل نمرات		۰/۹۱۵

مأخذ: پژوهش محقق

٦. خلاصه و نتیجه‌گیری

این مقاله،گزارشی از یک مطالعه پیمایشی است که در مورد ریشه‌یابی عوامل مؤثر بر تأخیر در پرداخت (وصول) مالیات انجام شده است. نمونه آماری موردنظر دربرگیرنده ٤۱ نفر از مأموران مالیاتی شاغل در اداره‌های امور مالیاتی شهرستان مشهد در سطوح مختلف سازمانی بوده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مأموران مالیاتی، کاستیهای مربوط به منابع سازمان (کمبود منابع فیزیکی، مالی و انسانی) را به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر تعویق مالیات برشمرده‌اند. آنها همچنین عوامل مربوط به پیشینه مالیات‌ستانی در ایران (عوامل نهادی نظیر اخلاق و تأثیر رویه‌های گذشته بر حال و آتی) را در اولویت بعدی قرار داده‌اند، ضمن اینکه بر تأثیر بعضی از عوامل محیطی (نظیر عوامل قانونی حاصل از قانون مالیاتهای مستقیم، نبودِ ضمانت اجرایی قانون از نظر مسائل حقوقی و عوامل اقتصادی مؤثر مثل تورم و نرخهای بالاتر بهره در بازارهای رسمی و غیررسمی) نیز کم و بیش صحه گذارده‌اند.

بررسی نظرات مأموران مالیاتی در مورد راهکارهای عملیاتی حل معضل تعویق مالیات، نشان می‌دهد که پاسخ‌دهنده‌ها ضمن آنکه موافقت اندکی با اقدامات ضربتی و کوتاه‌مدت داشته‌اند، افزایش منابع اداره وصول و اجرا را به عنوان بهترین راهکار مقابله با مشکل تعویق (تأخیر در پرداخت مالیات) می‌دانند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

ضمیمه (۱). پرسشنامه تحقیق

همکار گرامی، نظر شما در مورد هر یک از گزاره‌های زیر چیست؟

ردیف	شرح	کاملاً موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	عدم محاسبه نرخهای تورم در جریمه دیرکرد مالیات، انگیزه مادی مؤدیان متخلف را برای تأخیر در پرداخت مالیات به همراه دارد.					
۲	بالاتر بودن نرخهای بهره پول در بازارهای رسمی و غیررسمی نسبت به نرخ جریمه دیرکرد مالیات، انگیزه مادی مؤدیان متخلف را برای تأخیر در پرداخت مالیات به همراه دارد.					
۳	مؤدیان درستکاری که شاهد انتفاع مادی مؤدیان متخلف از تعویق مالیات باشند ممکن است تأخیر در پرداخت مالیات را در رفتار مالیاتی خود بروز دهند.					
٤	سیاست عفو کامل جریمه‌های مالیاتی انگیزه مؤدیان درستکار را که شاهد عدم تنبیه مؤدیانی بوده‌اند که در موعد مقرر قانونی به تکالیف مالیاتی خود عمل نکرده‌اند کاهش می‌دهد.					
٥	سیاست عفو کامل جریمه‌های مالیاتی انگیزه مؤدیان متخلف را در انتظار بهره‌مندی از فرصت عفو عمومی بعدی افزایش می‌دهد و این خود به تعویق مالیات دامن می‌زند.					
٦	اجرای ماده ۱۹۱ و تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون مالیاتهای مستقیم مبنی بر امکان بخشودگی تمام یا قسمتی از جریمه‌های مالیاتی برخی از مؤدیان، زمینه سوءاستفاده مؤدیان متخلف و تعویق مالیات را فراهم می‌آورد و سطح کارایی نظام جریمه‌های مالیاتی را تقلیل می‌دهد.					
۷	اجرای سلیقه‌ای نظام جرایم مالیاتی از سوی واحدهای مالیاتی می‌تواند انگیزه مؤدیان متخلف را برای تأخیر در پرداخت مالیات افزایش دهد.					
۸	تشویقات مقرر در قانون مالیاتهای مستقیم (از جمله جایزه خوش‌حسابی) در حدی نیست که در ترغیب مؤدیان به پرداخت به موقع دیون مالیاتی خود تأثیرگذار باشد.					
۹	روند پیچیده و طولانی «حل اختلاف مالیاتی» زمینه‌ساز وقفه‌های قانونی در فرآیند وصول مالیات می‌شود و تأخیر در پرداخت مالیات را در پی دارد.					
۱۰	وجود تبصره ماده ۲۳۹ قانون مالیاتهای مستقیم در مورد الزام احاله اوراق مالیاتی که ابلاغ قانونی شده‌اند به هیئتهای حل اختلاف مالیاتی، زمینه‌ساز وقفه‌های قانونی در وصول مالیات می‌گردد.					
۱۱	فقدان ضرب‌الاجل زمانی مشخص جهت ابلاغ اوارق مالیاتی، وقفه‌های قانونی در وصول مالیات را تشدید می‌کند.					
۱۲	کمبود نیروی انسانی (کادر مالیاتی)، افزایش حجم کار واحدهای مالیاتی و به تبع آن تأخیر در روند رسیدگی و تعویق مالیات را در پی دارد.					
۱۳	کمبود منابع فیزیکی (مانند وسیله نقلیه، تلفن، کامپیوتر و مانند آن)، فرآیند رسیدگی به پرونده های مالیاتی و وصول مالیات را به تأخیر می‌اندازد.					
۱٤	افزایش ضرب‌الاجل مرور زمان مالیاتی موضوع ماده ۱۵۷ قانون مالیاتهای مستقیم از سه سال به پنج سال، تأخیر در وصول مالیات را در پی خواهد داشت.					

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

ادامه ضمیمه شماره (۱)

ردیف	شرح	کاملاً موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	کاملاً مخالفم
۱۵	فقدان یک سیستم حقوقی مؤثر و کارا در برخورد با پدیده عدم تمکین مالیاتی (از جمله تأخیر در پرداخت مالیات) به عنوان یک جرم جزایی زمینه‌ساز تعویق مالیات گردیده است.					
۱۶	عدم تمکین مالیاتی یک رفتار غیر اخلاقی به شمار نمی‌آید و کسی را در جامعه به خاطر آن سرزنش نمی‌کنند.					
۱۷	نارضایتی سیاسی تمایل به تمکین مالیاتی را کاهش و به تبع آن، تأخیر در پرداخت مالیات را افزایش می‌دهد.					
۱۸	باورهای مذهبی (از جمله اعتقاد به مالیاتهای ثابت اسلامی نظیر خمس و زکات) ممکن است رفتار عدم تمکین مالیاتی را در نزد مؤدیان متخلّف توجیه نماید.					
۱۹	کاهش انگیزه‌های فردی مأموران مالیات (از نظر پاداش مادی، سطوح ارتقاء شغلی و نظام سلسله مراتبی سازمان) روند رسیدگی مالیاتی و به تبع آن وصول مالیات را به تعویق می‌اندازد.					
۲۰	عدم دسترسی به موقع به آمار و اطلاعات مربوط به عملکرد اقتصادی مؤدیان مالیاتی روند رسیدگی مالیاتی و وصول مالیات را به تأخیر می‌اندازد.					
۲۱	ضرورت انجام فعالیتهای مازاد بر شرح وظایف شغلی مندرج در آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۹ قانون مالیاتهای مستقیم (از جمله استخراج آمارهای متعدد و وقت‌گیر)، روند رسیدگی و وصول مالیات را به تعویق می‌اندازد.					
۲۲	اقدامات کوتاه‌مدت، مقطعی و ضربتی، رفع مشکل تعویق مالیات را در پی خواهد داشت.					
۲۳	افزایش ظرفیت نیروی انسانی و امکانات اداره وصول و اجراء، وصول مالیاتهای معوق را تسریع می‌کند.					
۲۴	تهیه فرم خلاصه وضعیت از پرونده‌های مالیاتی می‌تواند در تسریع وصول مالیاتهای معوق مؤثر باشد.					
۲۵	صدور و ابلاغ اخطاریه قبل از اجرا اقدام مؤثری در جهت وصول مالیاتهای معوق است.					
۲۶	پیگیری حضوری و تلفنی مأموران مالیاتی، وصول مالیاتهای معوق را تسریع می‌کند.					
۲۷	واحدهای مالیاتی صرفاً مسئول «تشخیص» مالیات هستند و وصول مالیات وظیفه بخشهای دیگر است.					
۲۸	واگذاری عملیّات ابلاغ به اداره پست سطح مالیاتهای معوق را کاهش خواهد داد.					
۲۹	عدم آگاهی مؤدیان از قانون مالیاتهای مستقیم زمینه‌ساز عدم کشف به موقع منابع مالیاتی و تأخیر در وصول مالیات می‌شود.					

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

ضمیمه (۲). داده های خام حاصل از عملیات پیمایش

ردیف گزاره	کاملاً موافق	تا حدی موافق	بی نظر	تا حدی مخالف	کاملاً مخالف	نمره
۱	۱۸	۱۲	۲	٤	٥	۰/۸۳
۲	۱۱	۱۷	۰	۷	٦	۰/٤۹
۳	۲۲	۱۳	۲	۱	۳	۱/۲۲
٤	۲۳	۱۱	۲	۰	٥	۱/۱٥
٥	۱۹	۱٦	۳	۱	۲	۱/۲
٦	۱۳	۱۲	۳	٥	۸	۰/٤۱
۷	۱٦	۱۸	۱	٤	۲	۱/۰۲
۸	۲۹	۹	۰	۱	۲	۱/٥۱
۹	۲٦	۱۱	۱	۳	۰	۱/٤٦
۱۰	۱٥	۱٥	٥	۳	۳	۰/۸۸
۱۱	۱۰	۱٦	٤	٥	٦	۰/٤٦
۱۲	۳۷	٤	۰	۰	۰	۱/۹
۱۳	۳۳	۸	۰	۰	۰	۱/۸
۱٤	۱۱	۱٤	۲	۷	۷	۰/۳۷
۱٥	۱٦	۱۷	۷	۱	۰	۱/۱۷
۱٦	۲۲	۱۲	٥	۲	۰	۱/۳۲
۱۷	۱۸	۱٥	٦	۲	۰	۱/۲
۱۸	۱۰	۱٦	۱۱	۲	۲	۰/۷۳
۱۹	۳۰	۱۰	۰	۱	۰	۱/٦۸
۲۰	۲۸	۱۲	۱	۰	۰	۱/٦٦
۲۱	۲٦	۱٤	۰	۱	۰	۱/٥٦
۲۲	۸	۱٦	٥	۸	٤	۰/۳۹
۲۳	۲۸	۷	٤	۲	۰	۱/٤۹
۲٤	۹	۲٦	٤	۱	۱	۱
۲٥	۱۲	۲٤	۳	۱	۱	۱/۱
۲٦۲	۱۹	۲۰	۱	۱	۰	۱/۳۹
۲۷	۲۲	۱٤	۲	۲	۱	۱/۳۲
۲۸	۱۰	۱۱	٤	٦	۱۰	۰/۱۲
۲۹	۱۳	۱۷	٦	٥	۰	۰/۹۳
میانگین کل						۱/۰۹٥

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

منابع

الف) فارسی

بهاءالدینی، بهادر(۱۳۷۳)، «زیانهای ناشی از تأخیر وصول مالیات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.

تانزی، ویتو (۱۹۷۸)، *تأخیر در جمع‌آوری مالیات و ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی*، ترجمه محمد کردبچه و محسن طلائی، در مجموعه مقالات تحقیقی درباره مالیاتها، تهران، معاونت امور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه، ١٣٦٤.

تقی‌پور، انوشیروان (۱۳۷۸)، «وقفه‌های جمع‌آوری مالیات، تورم و درآمدهای مالیاتی حقیقی دولت»، *مجله برنامه و بودجه*، سال چهارم، شماره ٤٢، مهر، ص۲۶-۳.

خان‌جان، علیرضا (۱۳۸۳)، «پتانسیلهای فرار و تقلب در نظام مالیات بر ارزش افزوده: بازخورد تجربه عملیاتی کشورهای در حال توسعه»، *مجله اقتصادی*، سال چهارم، شماره ۳۷ و ۳۸، آذر و دی، ص ۴۳-۳۶.

خان‌جان، علیرضا (۱۳۸۳)، «سنجش شکاف مالیاتی بالفعل: مطالعه موردی شهرستان مشهد»، *فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی*، سال دوازدهم، شماره ۳۰، تابستان، ۹۳-۵۵.

زمانی، احمد و محسن کلانتری (۱۳۷۸)، «اندازه‌گیری وقفه‌های قانونی مالیاتی و آثار منفی آن در ایران»، *فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی*، سال هفتم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱)، پاییز، ۸۷-۶۷.

علیزاده وبلنی، انوش (۱۳۷۴)، «برآورد زیان ناشی از تأخیر در وصول مالیات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

گیل، جیت بی. اس.(۲۰۰۰)، *مدیریت سازمان مالیاتی (نگرش سیستمی)*، ترجمه دکتر علی اکبر عرب مازار و مرتضی ملانظر، تهران، دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۱.

سازمان امور اقتصادی و دارایی خراسان رضوی، (۱۳۸۳)، *طرح مطالعاتی راهکارهای افزایش درآمدهای استان خراسان در سال ۱۳۸۲*، معاونت امور اقتصادی سازمان امور اقصادی و دارایی خراسان رضوی.

ب) انگلیسی

Alfandari, G. and M. E. Schaffer (1996), "Arrears in the Russian Enterprise Sector" in *Enterprise Restructuring and Economic Policy in Russia*, S. Commander, Q. Fan and M. E. Schaffer (Eds), Washington DC, The World Bank.

Choudhry, Nurun N. (1991), "Collection Lags, Fiscal Revenue and Inflationary Financing, Emprical Evidence and Analysis", IMF, Working Paper, Wp/91/41.

Nadler, D. A. and M. Tushman (1989), "Congruence and Effectiveness: A Model for Diagnosing Organizational Behavior: Applying a Congruence Perspective", in *The Measurement of Organizations: Strategies, Tactics and Analysis*, New York, Harper and Row Publishers.

Ponomareva, M. and E. Zhuravskaya (2000), "Federal Tax Arrears: Liquidity Problems, Federal Subsidies or Regional Protection?", Internet Document of the Paper Presented in CEFIR-EERC Annual Conference on Political Economy.

Schaffer, M. (1994), "Government Subsidies to Enterprises in Central and Eastern

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

Europe: Budgetary Subsidies and Tax Arrears", Working Paper, No. 671, Center for Economic Performance.

Schaffer, M. (1996), "The Propagation of Arrears: Empirical Evidence from Russia", Working Paper, Available Online.

Treisman, D (2000), "Fiscal Pathologies and Federal Politics: Understanding Tax Arrears in Russia's Regions", Research Report Available Online..

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-17]